



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۵  
تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

درس: خارج فقه قانون گذاری  
موضوع: حکم فقهی تشکیل نهاد قانونگذاری  
استاد: سید محمدعلی مدرسی حفظه الله

موسسه عالی فقه و علوم اسلامی

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین  
سخن در حکم فقهی نهاد قانون گذاری بود. گفته شد که این نهاد امری مستحدث است و به این شکل در عصر معصومین علیهم السلام موجود نبوده است.

اشاره به روایات باب مشورت داشتیم و گفتیم مشورت یک اصل اساسی و با اهمیت است و هرچه مسئله ی مورد مشورت از اهمیت و حساسیت بالاتری برخوردار باشد اهمیت مشورت نسبت به آن بیشتر خواهد بود.

### حوزه های مشورت و کسب اطلاع از صاحب نظران

حاکم اسلامی در چند حوزه ممکن است نیازمند مشورت و بهره گیری از آراء و اطلاعات دیگران باشد.

**الف: شناخت موضوعات احکام اجتماعی:** درست است که حاکم اسلامی (حاکم مجتهد) خود اجتهاد می کند و فتوا می دهد، لکن گاه موضوع برای وی روشن نیست و باید از دیگران کمک بگیرد. مثلاً بیان حکم فقهی در مورد انواع معاملات هرمی یا انواع لقاح های مصنوعی متوقف بر اطلاعات خاص در مورد آنها است.

**ب: شناخت مصادیق در مرحله تطبیق و اجرا:** اجرای احکام اولی و ثانوی (پس از شناخت حکم) نیازمند آگاهی دقیق و جامع است. در مقام اجرا تنها علم به حکم شرعی کفایت نمی کند، بلکه نیاز به شناخت و احراز صحیح مصداق است. یکی از راه ها و ابزار به دست آوردن چنین آگاهی هایی مشورت با آگاهان است.

**ج: حوزه اختیارات حکومتی:** حاکم اسلامی اختیاراتی دارد که اعمال آن مشروط به وجود مصلحت است. احراز مصلحت در این زمینه که گسترده و متنوع است و شامل امور اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و... می شود در بسیاری از موارد نیازمند کمک گیری از فکر، اطلاعات و تخصص دیگران است.  
در کنار مطلب فوق، اصل مهم دیگری در حکمرانی وجود دارد که باید مورد توجه خاص قرار گیرد و آن اصل تدبیر است.

### جایگاه تدبیر در حکمرانی اسلامی

صفت مدیریت یکی از شرایط اصلی در حاکم و به کار گیری تدبیر از وظایف اساسی وی شمرده می شود. مدیریت نیز ابعاد مختلفی دارد که در مسائل فقه سیاسی به آن پرداخته می شود. نیز مدیریت سطوح و درجات گوناگونی دارد. این نکته هم اجمالاً قابل توجه است که نسبت به پیچیدگی جامعه توان مدیریتی مورد توقع نیز متغیر است و جوامع مختلف در عصرهای مختلف اقتضاءات خاص خود را از حیث سطح توان مدیریتی دارند. در فرضی که روابط اجتماعی پیچیده باشد و جامعه اسلامی با دشمنانی مواجه باشد که با توطئه و تدبیر در روند جامعه اخلاص وارد می کنند، توان مدیریتی بالاتری لازم است. به هر جهت اصل مدیریت و لزوم اعمال تدبیر در اداره ی جامعه اسلامی روشن است و چندان نیازمند اقامه ی دلیل و برهان هم نیست. با این حال برخی ادله ی آن را مرور می کنیم. (برخی مربوط به صفت مدیریت است و برخی مربوط به لزوم اعمال تدبیر).



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

درس: خارج فقه قانون گذاری

موضوع: حکم فقهی تشکیل نهاد قانونگذاری

استاد: سید محمد علی مدرسی حفظه الله

موسسه عالی فقه و علوم اسلامی

جدا از حکم عقل مستقل، روایات فراوانی بر آن دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.  
در کتاب کافی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت فرموده اند: لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْزُرُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ.<sup>۱</sup>  
از جای جای نامه‌ی امام ع به مالک اشتر استفاده می شود که کارگزاران حکومت اسلامی باید توانمند باشند و از عهده‌ی امور بر آیند.

نیز در نهج البلاغه: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ.<sup>۲</sup>  
حتی از برخی ادله ای که در توصیف امامت معصوم ع وارد شده و مدیریت را یکی از صفات لازم برای امام ع بر شمرده نیز از نظر ملاکی قابل تسریه به نائب امام است.  
از جمله منابعی که احادیث تدبیر در آن قابل توجه است کتاب غرر الحکم است. برخی از آنها ناظر به تدبیر در امور شخصی و زندگی فردی و برخی ناظر به امور حکومتی است. همان ادله ای هم که دلالت بر لزوم تدبیر در امور فردی دارند از باب اولویت این شرط را در امور حکومتی می فهمانند. از جمله روایات:<sup>۳</sup>

أَفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ.

سَبَبُ التَّدْمِيرِ سُوءُ التَّدْبِيرِ.

مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ بَطَلَ تَقْدِيرُهُ.

مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ كَانَ هَلَاكُهُ فِي تَدْبِيرِهِ.

يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعِ سُوءِ التَّدْبِيرِ وَ قُبْحِ التَّدْبِيرِ وَ قِلَّةِ الْإِغْتِبَارِ وَ كَثْرَةِ الْإِغْتِدَارِ.

ادله دلالت روشنی دارند که حاکم اسلامی باید توان مدیریتی داشته باشد و این تدبیر و مدیریت را به شایستگی اعمال کند و به فعلیت برساند؛ در غیر این صورت فاقد شرایط حکمرانی خواهد بود.

این اصل، یعنی لزوم تدبیر را در کنار مسئله ی سابق که ضرورت مشورت بود قرار می دهیم و به بحث مورد نظر (= نهاد قانون گذاری) پیوند می دهیم.

حکم فقهی نهاد قانون گذاری را باید بر اساس مبانی مختلف در ولایت فقیه بررسی شود

<sup>۱</sup> کافی، ج ۱، ص ۴۰۷.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، جطبه ۱۷۳.

<sup>۳</sup> رجوع به تصنیف غرر الحکم، ص ۳۵۴.



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

درس: خارج فقه قانون گذاری

موضوع: حکم فقهی تشکیل نهاد قانونگذاری

استاد: سید محمدعلی مدرسی حفظه الله

موسسه عالی فقه و علوم اسلامی

فعلاً بحث را بر مبنای نصب عام و ولایت مطلقه‌ی فقیه به پیش می‌بریم. بنا بر این مبنا، بسته به حوزه‌ی مدیریتی حاکم اسلامی و شرائط گوناگون سطوحی قابل تصویر است:

۱. اگر جامعه بسیط باشد و از پیچیدگی چندانی برخوردار نباشد، هر چند مشورت برای حاکم اسلامی در مواردی که لازم باشد، واجب و مقتضای اصل «تدبیر» است، لکن این مقصود با مشورت‌های فردی (به صورت سنتی) حاصل می‌شود.

۲. اگر جامعه بسیط نباشد بلکه مسائل اجتماعی آن در بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و ... پیچیده و گسترده باشد؛ یعنی از نظر کمی فراوان و از نظر کیفی تخصصی باشد در چنین جامعه‌ای در بسیاری از موارد مشورت‌های معمولی کفایت نمی‌کند بلکه نیاز به گروهی از مشاوران با تخصص‌های متنوع است که به نحو سازمان یافته و با برنامه‌ای مشخص به او مشورت و اطلاعات بدهند و حاکم اسلامی با استفاده از کمک آنها به شناخت و آگاهی لازم برسد و تصمیم‌گیری نهایی را انجام دهد.

۳. در جامعه‌ای که مسائل پیچیده و گسترده دارد گاه برخی مسائل به گونه‌ای تخصصی است که حاکم حتی با مشورت نمی‌تواند به نتیجه‌ی مورد نظر برسد و حوزه‌های تخصصی آنچنان مختلف است که ممکن نیست شخص حاکم نسبت به آنها احاطه پیدا کند. مسائلی همچون بودجه‌ی سالیانه کشور از این قبیل است که نیاز به صرف وقت و نیرو و اشراف علمی و اطلاع از مسائل اقتصادی و... دارد. در این موارد که حاکم وقت لازم برای بررسی همه این امور ندارد یا تخصص لازم را ندارد لازم است که به نظر کارشناسان (با شرایط خاص) اعتماد کند. باید گروهی باشند با که استفراغ وسیع کنند و به نظر و تصمیمی برسند و حاکم آنها را «تنفیذ» کند. گاهی حتی لازم می‌شود برای این غرض گروهها و کمیسیون‌های مجزایی تشکیل بشوند و در غیر مواردی که حاکم شخصاً عهده‌دار تصمیم در مورد مسئله‌ای می‌شود. نظر بدهند.

این از باب تدبیر جامعه است و فرض این است که تدبیر جامعه متوقف بر این است که گروه‌هایی با شرایط خاص تشکیل بشوند که وظیفه‌ی خود بدانند در مورد مسائل مربوطه نظر کارشناسی بدهند، و اداره‌ی جامعه جز از این راه میسر نیست. در چنین شرایطی بر حاکم اسلامی لازم است احکام حکومتی را از این دریچه صادر کند.

از آنجا که در این مرحله، بخش عظیمی از تصمیمات، در حوزه‌های سه‌گانه‌ای که در ابتدا به آن اشاره شد، توسط اشخاصی غیر از حاکم اسلامی گرفته می‌شود (حاکم فقط تنفیذ می‌کند و البته در برابر آن مسئول است) در برخی شرایط صلاح نیست تصمیمات مستقیماً منتسب به حاکم اسلامی شود. در این شرایط حاکم به آنها اختیاراتی در حوزه‌های مختلف (از جمله وضع حکم حکومتی) می‌دهد. در این مرحله است که نهاد قانون‌گذاری اجمالاً (هر چند انتصابی) و با خصوصیات که اشاره شد و بعداً توضیحات بیشتری داده می‌شود، شکل می‌گیرد (تشکیل آن شرعاً واجب می‌شود). حتی بنا بر اطلاق ولایت فقیه و اینکه ولایت او مشروط به نظر مردم نباشد این بیان جاری است. مبنای آن هم «اصل تدبیر» است.



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

درس: خارج فقه قانون گذاری

موضوع: حکم فقهی تشکیل نهاد قانونگذاری

استاد: سید محمدعلی مدرسی حفظه الله

موسسه عالی فقه و علوم اسلامی

برخی بزرگان و صاحب نظران از حوزه و غیر آن برای توجیه لزوم تشکیل نهاد قانون گذاری به ادلهی مشورت تمسک کرده اند. به خصوص در عصر مشروطه این تفکر مطرح و رایج بوده است و به لسان های متفاوت استدلال به این ادله را به پیش کشیده اند که در مباحث آتی وارد این بحث خواهیم شد. در آن زمان دار الشوری مطرح بوده است و به شکل شعار عمومی در آمده بوده است و خواستار مجلسی بوده اند که با هم مشورت کنند و تصمیم بگیرند و این مجلس نیز منتخب باشد. برخی حتی در فرض بسط ید فقیه استدلال به آیات و روایات مشورت را به پیش کشیده اند و طبق آن حکم کرده اند که تشکیل مجلس شوری لازم است. از جمله کسانی که این استدلال را مطرح کرده شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی در رساله «اللائئ المربوطه فی وجوب المشروطه» است. در کتاب چاپی که در دست ماست تایید برخی بزرگان آن دوران (آخوند خراسانی) را همراه آن چاپ کرده است (و الله اعلم). مرحوم نائینی نیز در تنبیه الأمة بر مشورت تکیه دارند؛ لکن ظاهراً کلام ایشان ناظر به فرضی است که حکومت فقیه جامع شرایط مقدور نیست.